



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۳۱

جمعه، ۱۵ خرداد ۱۳۸۳

۴ ژوئن ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

در حاشیه رویدادها	* مانورهای توخالی	بیگ بنگ انقلاب در ایران	هفته منصور حکمت	شنبه: تورتو، لندن، اسلو
سیاوش دانشور	* سالگرد مرگ خمینی	محمود قزوینی	سخنرانی ها و مراسمهای	یکشنبه: انجمن مارکس -
صفحه ۳		صفحه ۳	فردا و پس فردا	حکمت لندن صفحه ۴

اعدام قتل عمد دولتی است

سیاست ارباب رژیم را درهم بکوبیم!

قصابان رژیم اسلامی در مازندران حکم اعدام هفت نفر دیگر را صادر کردند. اسامی این افراد رضا، حسن، محمد رضا، حمید رضا، نوروز، نبی و شهروز عنوان شده است. برای دو نفر دیگر بنامهای حسین و مرتضی حکم قطع دست راست و پای چپ صادر شده است! در هفته گذشته خبر اعدام ۴ نفر دیگر در روزنامه های رژیم اسلامی منتشر شد. به این لیست باید لیلا ۱۹ ساله، افسانه نوروزی، کبری رحمانپور، و دهها زندانی دیگر را هم که سایه شوم اعدام را بالای سرشان نگاه داشته اند اضافه کرد.

رژیم نه میخواهد و نه میتواند به کوچکترین خواست مردم پاسخ دهد. نه راهی برای کاهش بحران اقتصادی دارد، نه امکانی برای تخفیف نارضایتی سیاسی مردم دارد و نه راهی برای تخفیف اعتراض و نارضایتی هیچ بخشی از جامعه. بحران و بن بست های رژیم اسلامی عمیق تر از آن است که بتواند بر آن غلبه کند. نظامی کردن خیابانها و بالا بردن آمار اعدام و دستگیری، تماما بیانگر موقعیت مستاصل حکومت اسلامی است. برای مقابله با گسترش روزافزون اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان است. برای مقابله با گسترش اعتراضات دانشجویان و جوانان و زنان و مردم بجان آمده است. مقابله با مردمی است که خود را برای هیجده تیر و روزهای قبل از آن آماده میکنند.

خشم و نفرت از رژیم اسلامی را باید به گسترش اعتراض علیه این حکومت تبدیل کرد. باید کمپین های علیه اعدام را گسترش داد. باید برای لغو حکم اعدام کبرا رحمانپور و افسانه نوروزی و لیلا و هر محکوم به اعدام دیگری با تمام قوا پافشاری کرد و این مساله را به تعرض علیه حکومت تبدیل کرد. نباید به این قاتلین اجازه داد بساط توحش اسلامی شان را در جامعه پهن کنند. هر صحنه اعدام باید با یورش گسترده مردم برچیده شود.

گسترش اعتراض تنها پاسخ مناسب به وحشیگری رژیم است. سیاست ارباب باید با گسترش اعتراض بخش های مختلف مردم پاسخ گیرد. گسترش اعتصابات کارگری و دانشجویی، گسترش اعتراض معلمان و پرستاران، گسترش اعتراض زنان و جوانان شایسته ترین پاسخ مردم تشنه رفاه و آزادی به رژیم منحوس و بحران زده اسلامی است. حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و درهم شکستن کل بساط ماشینی جنایت و سرکوب و ستم و استثمار فرا میخواند.

۳۰ خرداد ۶۰

روز پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی

(برای آشنائی میلیونها نفر از نسل جدید در ایران که خاطره ای از کشتار و سلاخی ۳۰ خرداد ۶۰ ندارند و درباره آن نشنیده اند)

گفتگوی رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

این گفتگو در تاریخ ۲۳ خرداد ۷۹ از رادیو پخش شد، و سه سال پیش در انترناسیونال هفتگی شماره ۵۸ تحت عنوان "۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰" منتشر شد.

وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروت های انبوه. مردم علیه اینها بپا خاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیّت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه ای از جامعه ایران بود، پر و بال میگردد. یکی از

صفحه ۲

جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت، و ۱۷ شهریور که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده ای از آن دوران ندارند حتما آن تاریخ را بازبینی کنند) می بیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی اش، با زندانهایش، با شکنجه هایش بپا خاستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیت های سوسیالیستی

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتا نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملا با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ خرداد ۱۳۸۳ - ۳ ژوئن ۲۰۰۴

شخصیت های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمیدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه ها و دولتهای غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشینند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هویز از طرف دولت آمریکا میاید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در رویی نظامی شکست میدهند. اما محاصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۶۰ فاصله ای است که در آن نیروها و دولت های دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت میگیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدامهای حکومت اسلامی اساساً از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند، کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد. همان کسانی را زدند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست.

رادیو انترناسیونال: یعنی جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه های چپی بودند، تظاهرات انجام میشد، و علیرغم دستگیری ها و جنگ و جدال با چماقدارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

منصور حکمت: این یک کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هرکسی که بنظرشان قیافه اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته چی ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبردند همان شب

این پدیده دو خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده اند و دموکرات شده اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نصیبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلا و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود در راس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند. در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سرپا نگه دارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاش شان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سرپا نگاه دارند.

رادیو انترناسیونال: آیا میشود گفت که باین ترتیب دوم خردادی ها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ابداً. دوم خردادی ها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادی ها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکند، البته بعدها در دادگاه هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکند. الان کاری نمیکند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیر خودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه

۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی ها یا بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پول هایشان را بردارند و بروند لس آنجلس. سر و کارشان بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میداند، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

رادیو انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری یک کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جان باختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت: فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، و افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادها، علیه شخصیت هایش از خمینی و بهشتی تا خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و گیلانی و همه کسانی است که در این روند نقش داشته اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است. *

بیگ بنگ انقلاب در ایران



محمود قزوینی

فرهنگ عمومی، از ایستادگی زنان و جوانان در پس زدن اسلام و هر آن چیزی که بوی کهنگی و عقب ماندگی میدهد، با خبر میشوند. این نفرت عظیم مردم از اسلام و حکومت اسلامی، دیگر برای جهانیان ناآشنا نیست. حضور این نیرو در خاورمیانه، دیگر در همه جای دنیا قابل لمس است. پژواک صدای این نیرو هر روز، از سقز تا دانشگاه تهران و از اسلو تا ۸ مارس ها در ایران، از کنفرانس برلین تا تظاهرات کارگران خاتون آباد و مردم فریدونکار و غیره به جهان مخابره میشود.

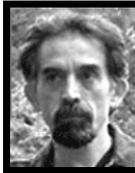
همه ماتریال برای دگرگونی عمیق و ریشه ای در ایران فراهم شده است. این تراکم انفجار آمیز از عنصر آزادیخواهی و برابری طلبی و مدرنیسم، روز به روز دارد خود را بیشتر سازمان میدهد. یک حزب سیاسی قوی کمونیستی، حزب کمونیست کارگری ایران، به سازمان این نیروی متراکم، و به سازمانی برای ایجاد تغییر بنیادی تبدیل گشته است.

حکومت اسلامی را با کشتار وسیع و سرکوب دهه ۶۰ توانستند در ایران سرپا نگهدارند. امروز نیروی عظیمی برای زیر کشیدن اسلام و حکومت اسلامی در ایران بپا خواسته است. با سرنگونی جمهوری اسلامی، منبع عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران که بسیار هم متراکم شده است، منفجر خواهد شد و این انفجار نه تنها خاورمیانه، بلکه جهان را دگرگون خواهد ساخت. انفجار منبع آزادیخواهی و برابری طلبی، منبع آزادی زن، منبع مدرنیسم و غرب گرایی، و در یک کلام منبع عظیم سوسیالیسم، میتواند خاورمیانه را به پیشقراول آزادیخواهی مبدل سازد. بیگ بنگ انقلاب در ایران، بیگ بنگ سوسیالیسم در جهان خواهد بود. یک ایران انقلابی، یک ایران سوسیالیستی، جهان را دگرگون میسازد.

توده کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواه باید به نقش خود و نقش انقلاب در ایران بیش از پیش واقف شوند و برای ایجاد این دگرگونی عظیم در جامعه گامهای عاجل و جدی تری بردارند. *

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



مانورهای تو خالی

بدنبال اصابت گلوله به قبر علی و حسین، در میدان فلسطین تهران حزب الله دکان ثبت نام برای "عملیات استشهادی" باز کرده است. ابتدا آمار ۲۵۰۰ نفری از داوطلبان را اعلام کردند. کیهان نوشت که ظرفیت اعلام آمادگی بالاست و میتواند به مرز "چهل میلیون و بیشتر" هم برسد!؟ قرار است از اینترنت برای ثبت نام داخلی و بین المللی تروریستها استفاده شود. پرده دیگر این نمایش اجتماعات حزب الله در مقابل سفارت انگلستان با شعارهای "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" و مشابه آن در آغاز کار مجلس هفتم است. واقعیت اینست که بجز مقداری نیروی کرایه ای و نانخور حکومت، نه در تهران ۱۲ میلیونی و نه در ایران ۷۰ میلیونی کسی تره برای حسین و علی تا چه رسد برای مقبره هایشان خرد نمیکند. مردم، این خاندان و اسلافشان در ایران و نظام منحوششان را منشا بدبختی خود میدانند. برعکس تصویر امثال کیهان، این موضوع مثل فیلم مارمولک وسیله دیگری برای دست انداختن آخوند و اسلام و مقدساتش در میان مردم شده است. در ایران میگویند راستی چرا امدادهای غیبی جلو گلوله ها را نگرفت؟ یا اینکه این "امام زمان" به چه درد میخورد؟ نسل جوان جامعه ایران، که هفتاد درصد جمعیت را تشکیل میدهند، بیشتر مراسم عاشورا را به "حسین پارتی" تبدیل کرده اند. در چنین جامعه ای که نفرت از مذهب در آن موج میزند واضح است که موضوع گلوله خوردن قبر حسین و علی هم سرنوشتی جز جوك و دست انداختن اسلام پیدا نمیکند.

جمهوری اسلامی هر روز

رهبر فاشیسم اسلامی معاصر هستند. همراه خمینی و زیر پرچم خمینی دسته جمعی انقلاب ۵۷ را بخون کشیدند و بیش از صد هزار انسان شریف و آزادیخواه را کشتار کردند. زیر پرچم خمینی میلیونها جوان را در میدانهای مین جنگ ایران و عراق لت و پار کردند. زیر پرچم خمینی چاقو کشی و اسید پاشی و قمه زنی را برای تحمیل حجاب به زنان سازمان دادند. زیر پرچم خمینی مردم کردستان را بمباران کردند. زیر پرچم خمینی سپاه و بسیج و کمیته و شکنجه گر و شکنجه گاه سازمان دادند. زیر پرچم خمینی یک جامعه شصت میلیونی را به زندگی در یک زندان بزرگ محکوم کردند. از خشکه مقدس هایشان تا تازه ولتریزه و پوپریزه شده هایشان همگی در جنایتها و نسل کشی مردم ایران سهیم بودند. همینطور برادران دیگرشان در جنبش ملی اسلامی از قبیل بنی صدر، سران جبهه ملی و نهضت آزادی تا حزب توده و اکثریت و نویسندگان آخوند زده در یک صف واحد برای تحکیم ضد انقلاب اسلامی علیه کارگران و مردم در انقلاب ۵۷ نقش ایفا کردند.

مردم ایران در سیمای خمینی دوران وحشت، بمباران کردستان، قتل عام ترکمن صحرا، کشتارهای اوین و قزل حصار و خرداد شصت، سازماندهی جنایت، بیحقوق کردن اکثریت جامعه، و حمایت دنیای سرمایه داری و در راس آن آمریکا و انگلیس و فرانسه از خمینی و رژیم اسلامی که برای نجات سرمایه داری ایران در انقلاب ۵۷ بمیدان آورده شد را میبینند. و امروز مردم ایران علیه این سیمای خمینی و علیه رژیمی که کل جناحهای آن در سالروز مرگ خمینی بر سر اعلام وفاداری به او در مسابقه هستند، به میدان آمده اند.

آنچه در سالروز مرگ این جنایتکار مخوف تاریخ بیشتر از هر کدام میخوانند وفادارایشان را به راه خمینی اثبات کنند. انصافا این یک قلم را راست میگویند. اینها جملگی شاگردان مکتب خمینی

موقعیتش در عراق تضعیف میشود. پروژه مقتدا صدر با کمک تروریستهای ارسالی سپاه و اطلاعات رژیم نتوانست بخشهای مختلف جریانات اسلامی در عراق را جلب کند. سرمایه گذاری روی عواطف عقب مانده بخاطر سوراخ شدن بنای یک ارتجاع مذهبی واکنشی از سر استیصال برای پوشاندن یک سیاست شکست خورده است. جنبه دیگر و مهمتر این موضوع مصرف داخلی آنست. جمهوری اسلامی و تروریستهایش قرار نیست به داد قبر حسین و علی برسند. برعکس، قرار است حسین و علی به داد وضعیت وخیم جمهوری اسلامی برسند. قمه چرخانی و آوردن حزب الله در خیابان یک اسم رمز و یک نمایش اعلام آمادگی رژیم برای تعرض به مردم معترض در آستانه ۱۸ تیر است. هم مردم و هم رژیم این را میدانند. رژیمی که میخواست زمانی اسلام را به جهان "صادر" کند و "قدس و کربلا را آزاد کند"، امروز با جمع کردن چند صد نفر کرایه ای برای شعار دادن و کوکتل پرت کردن بطور رقت باری شکست سیاسی ایدئولوژیکش را به نمایش میگذارد. دست انداختن علی و حسین و امام زمان نتیجه شکست اسلام در ایران و بروز دیگری از موج برگشت قوی ضد اسلامی در میان مردم است. سران رژیم در واکنش مردم به این ماجرا عاقبت خود را میبینند.

سالروز مرگ خمینی

اینروزها رژیم اسلامی و جناحهایش در مراسمهای "ارتحال امامشان" هر کدام میخوانند وفادارایشان را به راه خمینی اثبات کنند. انصافا این یک قلم را راست میگویند. اینها جملگی شاگردان مکتب خمینی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



هفته منصور حکمت

۱۲ - ۵
ژوئن
۲۰۰۴

در آستانه پنجاه و سومین سالگرد تولد منصور حکمت و در گرامیداشت زندگی کوتاه و پر بار بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر، در ۵ تا ۱۲ ژوئن (هفته منصور حکمت) برنامه ها و فعالیتهائی توسط واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور و انجمن مارکس - حکمت لندن انجام میشود. این برنامه ها شامل سخنرانی و سمینار در معرفی دیدگاههای منصور حکمت، نمایشگاه آثار منصور حکمت، نمایش فیلم و میزهای اطلاعاتی خواهد بود.

هدف از این برنامه ها شناساندن اهداف و نظرات کمونیستی و عمیقاً انسانی منصور حکمت در تلاش برای ایجاد یک دنیای بهتر و انسانی است.

نمایشگاه آثار منصور حکمت، نمایش فیلم، میزهای اطلاعاتی

دالاس:

یکشنبه ۶ ژوئن، ساعت ۱ تا ۵ بعد از ظهر
مکان Bobwoodruf در ایست پلینیو

هوستون:

شنبه ۵ ژوئن، ۳ تا ۵ بعد از ظهر
مکان هیلز کراس جنب سوپر ونک
تماس: مینو همتی، تلفن:

کلن، برمن، فرانکفورت، برلین (آلمان)

۵ تا ۱۲ ژوئن
تماس: نسان نودینیان
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

تامپره (فنلاند)

۵ تا ۱۲ ژوئن نمایشگاه عکس و میز کتاب.
شنبه ۵ ژوئن، از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر،
نمایش ویدئو سخنرانی منصور حکمت
در کنگره سوم حزب
و معرفی آثار منصور حکمت
توسط فاتح شیخ
مکان: تامپره، موزه لنین

Lenin- Musio Hämeenpuisto 28

تماس: عبدال گلپریان
تلفن: ۰۰ ۳۵۸ ۴۰۵۷۵۸۲۵۰

اسلو (نروژ)

شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ ژوئن
در کتابخانه مرکزی شهر
تماس: داریوش نیکنام
تلفن: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

سخنرانی ها و سمینار های فردا و پس فردا

یکشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۴

سمینار یک روزه

انجمن مارکس - حکمت لندن

جایگاه کاپیتال مارکس:
منصور حکمت (نمایش فیلم)
نگاهی به آثار اخیر منصور حکمت
سخنران: فاتح شیخ

منصور حکمت و تجربه شوروی

سخنران: کورش مدرسی

منصور حکمت و مساله زن

سخنران: مینا احدی

کمونیسم منصور حکمت و قدرت سیاسی

سخنران: رحمان حسین زاده

"اساس سوسیالیسم انسان است"

سخنران: آذر ماجدی

محل جلسه بعدا اعلام خواهد شد

تماس: نسرين جلالی،

تلفن: ۰۷۷۰۸ ۱۲۵۹۹۳ (+۴۴)

ای میل: marxhekmatociety@

ukonline.co.uk

شنبه ۵ ژوئن ۲۰۰۴

تورنتو (کانادا)

از مارکسیسم انقلابی تا کمونیسم کارگری
مروری بر سیر تکوین کمونیسم منصور حکمت

سخنران: حمید نقوائی

نقش منصور حکمت در ایجاد حزب کمونیست کارگری
عراق و اعتلای جنبش برابری طلب زنان در عراق

سخنران: ینار محمد

شنبه ۵ ژوئن، ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر

مکان: دانشگاه تورنتو،

۱۰ کینگز کالج، سالن ۱۱۰۵

لندن (انگلستان)

کمونیسم منصور حکمت کمونیسم پراتیک و دخالتگر

سخنران: آذر مدرسی

منصور حکمت و جنبش های اجتماعی

سخنران: کاظم نیکخواه

...

سخنران: نادیه محمود

شنبه ۵ ژوئن، ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعد از ظهر

مکان: Pentonville road 187
nearest tube station King's Cross

تماس: سعید آرمان

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

اسلو (نروژ)

در افزوده های منصور حکمت به مارکسیسم

سخنران: ایرج فرزاد

زمان: شنبه ۵ ژوئن

مکان: کتابخانه مرکزی شهر اسلو

تماس: داریوش نیکنام

تلفن: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

همه انسانهای شریف و
دوستانداران کمونیسم و
منصور حکمت
را به شرکت در این برنامه ها
دعوت میکنیم.